مقاله تحقیقی

مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل
سال ۱۴۰۰، دوره ۲۳، صفحه ۸۹-۸۴

طهارت الکل از منظر فقه شیعی

عباس نیکزاد (PhD)[۱]، علی بیژنی (MD, PhD)[*۲]

۱-گروه معارف، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
۲-مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

دریافت: ۹۹/۲/۲۰، اصلاح: ۹۹/۴/۲۴، پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۳

خلاصه

سابقه و هدف: به دلیل کاربردهای متعددی که امروزه الکل در زندگی بشر دارد، بحث از پاک و یا ناپاک بودن الکل از اهمیت بالایی برخوردار است. این مطالعه با هدف بررسی جوانب فقهی آن از منظر مذهب شیعه انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بر اساس روش گردآوری کتابخانه ای و همچنین شیوه استدلالی با بررسی متونی که در طهارت و نجاست الکل و مست کننده ها انتشار یافته بودند، طراحی گردید. از آیات قرآن، فتاوی عالمان دینی و احادیث استفاده گردید.

یافته ها: در میان فقها درباره پاکی الکل اختلاف نظر مشاهده می شود. استدلال فقهایی که به ناپاکی الکل معتقدند این است که الکل مست کننده روان است و هر چیز مست کننده روان، نجس است، پس الکل نجس است. در این نوشتار با بررسی دقیق روایات و ادله، هر دو مقدمه این استدلال مورد سوال قرار گرفته است. یعنی هم ادله ناپاکی هر مست کننده روان، مورد نقد واقع شده است و هم ثابت شده است که با فرض پذیرش ناپاک بودن هر مست کننده روان، الکل از مصادیق مست کننده روان به شمار نمی آید.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که دلیلی بر ناپاکی الکل وجود ندارد، با تکیه به قاعده طهارت می توان به پاکی و طهارت الکل فتوا داد.

واژه های کلیدی: الکل، پاکی، ناپاکی، مست کننده روان، روایات، قاعده طهارت.

مقدمه

الکل مایعی آلی و ترکیب یافته از هیدروژن، اکسیژن و کربن است. الکل ها و فنل ها را می توان به عنوان مشتقات آلی آب تصور کرد که در آن یکی از هیدروژن های آب توسط یک گروه آلی جایگزین می شود. الکل ها به طور گسترده ای در طبیعت وجود دارند و در صنایع مختلف از جمله داروسازی کاربرد بسیاری دارند. الکل ها انواع مختلفی دارند و به عنوان مثال، متانول که یکی از مهمترین مواد شیمیایی صنعتی است، از نظر تاریخی از طریق تخریب بی هوازی چوب تولید می شد و بنابراین الکل چوب نامیده شد. اتانول یکی از اولین مواد شیمیایی آلی است که تولید آن از طریق تخمیر غلات و قندها تقریباً از ۹۰۰۰ سال قبل انجام می پذیرفت اما تصفیه آن با تقطیر حداقل به قرن دوازدهم میلادی بر می گردد (۱). الکلی که به عنوان مسکر خوراکی مصرف می شود و به طور عرفی واژه الکلیسم به آن بر می گردد مصرف غلظت های متفاوت اتانول می باشد. مصرف الکل یک عامل خطر اصلی بار بیماری جهانی است و تهدید کننده قابل توجهی برای سلامت می باشد (۲). البته ارتباط مصرف الکل و سلامت، موضوع بحث ما در این مقاله نمی باشد. در خصوص حکم شرعی استعمال الکل و مواد مخدر نیز محققین اسلامی نظراتی داده اند (۳) که این موضوع نیز خارج از بحث این مقاله است. یکی از مسائل مستحدثه در فقه اسلامی، مسئله پاکی و ناپاکی الکل است که با پیشرفت روزافزون دانش و کاربرد گسترده الکل در عرصه زندگی بشر این مساله اهمیت بیشتری یافته است و با توجه به وجود الکل در بسیاری از داروها، دهان شویه ها، عصاره های گیاهی، مواد شوینده، عطرها و ادکلن ها، مواد آرایشی و ... بحث فقهی طهارت الکل از دیدگاه اسلام مورد بحث می باشد. طبیعی است با این گستردگی کاربرد و استفاده از الکل در صنعت های گوناگون حیاتی که روز به روز نیز در حال گسترش است، به ناچار باید حکم پاکی و یا ناپاکی الکل و فرآورده های آن از جهت فقهی و شرعی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه مروری، با جستجوی منابع شیعی، فتاوی و نظرات فقها و علمای اهل تشیع در خصوص طهارت الکل مورد بررسی قرار گرفت و ادله موافقین و مخالفین با استنباط فقهی و استنتاج عقلی داوری شده است و معیار اصلی قضاوت ها، آیات قران و روایات و احادیث صحیح از پیامبر اکرم (ص) و امامان شیعه (ع) بوده اند. در این مطالعه دو موضوع "ناپاکی هر مست کننده روان" و "اطلاق مست کننده روان به الکل" به طور مستقل مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و طهارت و یا ناپاکی الکل از هر دو زاویه تبیین شده است.

* مسئول مقاله: دکتر علی بیژنی
آدرس: بابل، دانشگاه علوم پزشکی، پژوهشکده سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت. تلفن: ۰۱۱-۳۲۱۹۷۶۶۷
E-mail:alibijani@yahoo.com

[DOR: 20.1001.1.15614107.1400.23.1.13.2]
[DOI: 10.22088/jbums.23.1.84]

یافته ها

جا دارد از دو زاویه به مساله طهارت الکل نگریست یکی این که آیا دلیلی بر نجاست و ناپاکی هر مست کننده روان وجود دارد؟ دوم این که به فرض وجود دلیل بر ناپاکی هر مست کننده روان آیا می توان با استناد به آن، ناپاکی الکل را نتیجه گرفت؟ در ابتدا ادله و مستندات مرتبط با ناپاکی الکل به شرح ذیل بیان می گردد:

کسانی که الکل را ناپاک می دانند به اجماع روایاتی استناد کردند که بر ناپاکی هر مست کننده روان (مایع) دلالت دارد و با مفروض گرفتن این که الکل نیز مست کننده روان است ناپاک بودن الکل را نتیجه گرفتند. در مرحله اول ادله ای که برای ناپاکی هر مست کننده روان آوردند به قرار زیر است:

۱-اجماع: برخی ادعا کرده اند این گزاره که هر مست کننده روان و مایع ، نجس و ناپاک است اجماعی است و با توجه به این که اجماع از ادله فقهی است ناپاکی هر مست کننده روان ثابت می شود.

۲-روایات: بر ناپاکی هر مست کننده روان به روایات زیر استناد شده است:

الف- «موثقه عمار از امام صادق (ع) که فرمود نماز نگذار در خانه ای که در آن شراب و یا مست کننده ای است. زیرا فرشتگان وارد آن خانه نمی شوند و نماز نگذار در لباسی که شراب و یا مست کننده ای به آن اصابت کرد تا این که شسته شود» (۴).

نهی در این روایت، نهی مولوی نیست بلکه ارشاد به نجاست و ناپاکی شراب و هر مست کننده است.

ب-«روایت عمربن حنظله: به امام صادق (ع) عرض کردم نظرت چیست در مورد کاسه ای از مست کننده که آبی بر آن ریخته شود تا مست کنندگی آن از بین برود؟ فرمود نه به خدا سوگند اگر قطره ای از مست کننده در خمره ای ریخته شود چاره ای نیست جز آن که آن خمره ریخته شود» (۵).

۳- دلیل سومی که بر ناپاکی هر مست کننده روان آورده شده این است که از پاره ای از اخبار و روایات استفاده می شود که خمر (شراب) که در آیات و روایات بر حرمت و یا نجاست آن تصریح شده است هر مست کننده روانی را می گیرد و اختصاص به شرابی ندارد که بر گرفته از انگور است. با توجه به این که در روایات فراوان بر ناپاکی شراب، تصریح شده است، به راحتی می توان ناپاکی هر مست کننده را از آنها استفاده کرد. حال به پاره ای از این روایات که هر مست کننده ای را خمر می داند اشاره می کنیم:

الف- علی ابن ابراهیم قمی در تفسیرش از ابی الجارود از امام باقر (ع) در ذیل آیه «انما الخمر و المیسر...» (۶) نقل می کند که«اما هر شراب مست کننده که بر روی عقل پوشش گذارد خمر شمرده می شود. چیزی که زیاد آن مست کنندگی می آورد کم آن هم حرام است» (۷).

ب- صحیحه عبدالرحمن ابن حجاج: «پیامبر فرمود: خمر از ۵ چیز است: از انگور، از کشمش، از عسل، از جو و از خرما» (۸).

ج- روایت نعمان بن بشیر:« شنیدم که پیامبر اکرم (ص) می فرمود: ای مردم خمر از انگور و از کشمش و از خرما و از جو گرفته می شود. ای مردم من شما را از هر مست کننده ای باز می دارم» (۹).

د- ابن عباس در تفسیر آیه کریمه «انماالخمر و المیسر...» (۶) گفته است که: «مراد از خمر همه آشامیدنی های مست کننده است. پیامبر (ص) فرمود: خمر از ۹ چیز گرفته می شود از عسل، از انگور، از کشمش، از خرما، از گندم، از ذرت، از جو و از سلت (نوعی از جو)» (۱۰). در خصوص مسکر بودن الکل، موضوع تنها فقهی نمی باشد و اطلاق مست کننده بودن الکل بر اساس نوع و غلظت آن با کمک از علوم تجربی صورت می پذیرد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده اکنون به نقد و بررسی روایات و استدلالات معتقدین به ناپاکی الکل می پردازیم:

هر چند این موثقه عمار از امام صادق (ع) و روایت عمر بن حنظله بر ناپاکی هر مست کننده ای دلالت دارند ولی نمی توان بر اساس آنها بر چنین حکمی فتوا داد زیرا اولاً روایت دوم به دلیل این که از عمربن حنظله نقل شده است قابل اعتماد نیست. زیرا عمربن حنظله از جهت رجالی توثیق نشده است. یعنی بر وثاقت وی علمای رجال اشاره ای ندارند. البته روایتی بر توثیق وی از جانب امام صادق(ع) دلالت دارد اما همین روایت نیز اعتباری ندارد زیرا راوی آن یزید بن خلیفه است که واقفی است و توثیق او ثابت نشده است.

ثانیاً این دو روایت مبتلای به معارض است. یعنی روایت معتبره ای در مقابل آن ها آمده است که بر پاکی هر مست کننده دلالت دارد. در موثقه ابن بکیر آمده است که گفت:« مردی از امام صادق (ع) پرسید در حالی که من در نزد امام بودم از مست کننده و یا نبیذی که به لباس اصابت می کند، امام فرمود: باکی نیست» (۱۱).

این روایت بر پاکی مست کننده و نبیذ دلالت دارد زیرا در صورت نجاست لباس نمی توان گفت باکی نیست. حال در صورت تعارض و ناسازگاری اخبار در پاکی و ناپاکی مست کننده، اگر مرجحی در یک طرف وجود داشت همان طرف اعتبار خواهد داشت و گرنه هیچ یک از این اخبار قابل اعتماد نخواهند بود و از اعتبار ساقط می شوند و باید به قواعد دیگر رجوع کرد. در اینجا ترجیح با اخبار طهارت است زیرا مخالف با عامه اند چون فتوای فقهای عامه بر ناپاکی مست کننده است و در صورت نادیده گرفتن این مرجح، باز در صورت تساقط، باید به قاعده طهارت رجوع کرد. بر اساس این قاعده که مورد قبول همه فقهای اسلام است در صورت فقدان دلیل در مورد پاکی و یا ناپاکی چیزی باید حکم به طهارت و پاکی نمود. براساس این قاعده در اینجا باید حکم به طهارت هر مست کننده کرد. البته درباره طهارت و نجاست شراب (مایع برگرفته از انگور) و نبیذ (مایع برگرفته از خرما) روایات متعددی وجود دارد (۱۲و۹-۷و۴) که برای نجاست و یا طهارت هر مست کننده روان نمی توان به آنها استناد کرد چون اختصاص به شراب و نبیذ دارد و حتی در صورت دلالت بر ناپاکی این دو، نمی توان ناپاکی هر مست کننده روان را از آنها استفاده کرد.

نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که قائلان به ناپاکی هر مست کننده چنانکه قبلاً اشاره شد مست کننده ای را ناپاک می دانند که در اصل مایع و روان باشد اما اگر در اصل جامد باشد مانند بنگ و حشیش و شیشه و .... آن را ناپاک نمی دانند. سوالی که برای خواننده مطرح می شود این است دو روایت پیشین که بر ناپاکی هر مست کننده بدان استناد شده است بر این قید دلالتی ندارد پس مستند این تفصیل چیست؟ پاسخ این است که

[DOR: 20.1001.1.15614107.1400.23.1.13.2]
[DOI: 10.22088/jbums.23.1.84]

دلیل این بزرگان علاوه بر تمسک به اجماع منقول و شهرت محصل، انصراف است. یعنی معتقدند که ادله ناپاکی هر مست کننده با توجه به ناپاکی شراب و نبیذ که روان هستند به مست کننده روان منصرف است. اما در خصوص روایاتی که خمر را مختص به شراب به دست آمده از انگور نمی داند، اولاً اکثر این روایات از جهت سند، مخدوش و ضعیف هستند. همانگونه برخی از فقها گفته اند روایت تفسیر علی بن ابراهیم و نیز روایت منقول از ابن عباس در تفسیر مجمع البیان و روایت نعمان بن شبیر از این قبیل است (۱۳). ظاهراً تنها روایت معتبر و مقبول همان روایت عبدالرحمن بن حجاج است (۸). ثانیاً در قبال این روایات، روایات دیگری است که به صراحت دلالت بر این دارد که خمر (شراب) مختص به آن چیزی است که از انگور گرفته می شود که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف- صحیحه ابی بکر حضرمی: «به امام صادق (ع) گفتم به لباسم نبیذ اصابت می کند آیا می توانم در آن لباس نماز بخوانم؟ فرمود: آری گفتم قطره ای از آن در ظرفی بزرگ از مایع آشامیدنی می افتد آیا می توانم بیاشامم؟ فرمود؟ آری چون اصل نبیذ حلال است و اصل خمر حرام است (۱۴). این حدیث صرف نظر از مضمون آن، به خوبی بر این معنا دلالت دارد که خمر غیر از نبیذ است بنابراین مایع برگرفته از خرما خمر شمرده نمی شود.

ب- موثقه عمار از امام صادق (ع): «در لباسی که به آن خمر و یا مست کننده ای اصابت کرد نماز نگذار تا این که آن را بشویی» (۱۵).

این روایت نیز به خوبی دلالت بر این دارد که به هر مست کننده ای خمر گفته نمی شود.

ج- روایت ذکریا بن آدم: از امام کاظم (ع): «در مورد قطره ای از خمر یا نبیذ مسکر که در دیگ بزرگ آبگوشت می ریزد پرسیدم امام فرمود: آبگوشت را بریز و گوشت را بشوی و بخور» (۱۶).

از این روایت نیز فهمیده می شود که به هر مسکری خمر گفته نمی شود.

د- روایات متعددی دلالت بر این دارند که خداوند در قرآن خمر را حرام کرد اما پیامبر اکرم (ص) هر مسکری را حرام نمود. بنابراین حرمت هر مسکر جزء سنت هایی است که پیامبر اکرم (ص) بنا نهاد. از این روایات نیز استفاده می شود که خمر غیر از مسکر است و به هر مسکری خمر گفته نمی شود (۱۹-۱۷).

صحیحه علی بن یقطین از امام کاظم (ع): «خداوند اگر خمر را حرام کرد به خاطر اسم آن نبوده است بلکه به خاطر پیامد آن حرام کرده است، هر چیزی که پیامد خمر را داشته باشد آن خمر به حساب می آید (۲۰).

این روایت صریح در این است که اسم خمر بر همه مست کنندها اطلاق نمی گردد اما در عین حال از جهت حرمت همانند خمر می باشند. روایات بالا به خوبی دلالت بر این دارند که به هر مست کننده ای خمر گفته نمی شود. هر چند حکم حرمت خمر در مورد آنها جاری است.

امام خمینی در توجیه روایات دسته اول (روایاتی که دلالت بر این دارد که خمر بر هر مست کننده ای اطلاق می گردد) می فرماید: «از آن روایات بیش از این استفاده نمی شود که گاهی به هر مایع مست کننده ای خمر اطلاق می گردد اما این که این اطلاق به نحو حقیقت باشد معلوم نیست. تمسک به اصاله الحقیقه در چنین مواردی که مراد معلوم است و شک در وضع وجود دارد، نادرست است. از این گذشته شأن پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) این نیست که معنای لغوی و موضوع له را برای مردم توضیح دهند (۲۱).

امام خمینی به صراحت ابراز می دارند که در عرف و لغت، خمر تنها به آن چیزی گفته می شود که برگرفته از انگور است و نام خمر حقیقتاً بر چیز دیگری اطلاق نمی گردد (۲۱). بنابراین نمی توان از نجاست و ناپاکی خمر، ناپاکی هر مست کننده ای را استفاده کرد. روایات پیشین که دلالت بر این دارند که اسم خمر بر هر مست کننده ای اطلاق می گردد، با فرض صحت سند، بیش از این دلالت ندارند که به نحو مجاز و تسامح در تعبیر می توان بر هر مست کننده نام خمر را به کار برد. این مطلب دلالت بر این ندارد که در همه احکام با خمر همسان اند. شاید مقصود همسانی آن ها در اظهر خواص و احکام خمر، یعنی حرمت باشد نه هم حرمت و هم نجاست. پاره ای از روایات بالا بر صحت این توجیه گواهی می دهند. (اخبار و روایاتی که بر نجاست و ناپاکی خمر دلالت دارند هر چند بسیارند اما در نقطه مقابل آن ها روایات فراوان دیگری وجود دارند که بر پاکی خمر دلالت دارند).

مرحله دوم: مست کننده نبودن الکل: بحث دوم این است که حتی با فرض پذیرش نظریه ناپاکی هر مست کننده روان، آیا می توان الکل را به عنوان مصداقی از مست کننده روان، ناپاک دانست؟

پاسخ: آیت الله خویی معتقدند که از روایات استفاده می شود که مست کننده روان از این باب که بر آن خمر (شراب) اطلاق می گردد ناپاک است نه از جهت این که مست کننده روان است. با توجه به این امر الکل ناپاک نیست زیرا در نگاه عرف، به الکل اسم خمر اطلاق نمی گردد. بنابراین دلیلی بر ناپاکی الکل نداریم (۲۲).

به نظر می رسد که ادله ناپاکی هر مست کننده روان، شامل الکل نمی شود چون روایات دلالت بر ناپاکی مست کننده روانی دارد که آشامیدن آن در میان شرابخواران متعارف است در حالی که الکل چیزی نیست که آشامیدن آن متعارف باشد زیرا شأنیت آشامیدن را ندارد. ثانیاً اساساً الکل مست کننده به حساب نمی آید. زیرا الکل از سموم خفیفه است و به خاطر کشنده بودن به تنهایی قابل شرب نیست. آری در صورتی که با آب و یا چیز دیگری مخلوط شود مست کنندگی پیدا می کند. آن چه ملاک در نجاست است این است که خود آن چیز به صورت بالفعل مست کننده باشد. در حالیکه الکل در طبیعت خود به صورت بالفعل مست کننده نیست و تنها در صورتی که با چیز دیگری امتزاج پیدا کند مست کننده می گردد.

ثالثاً در صورت شک در صدق مست کننده روان بر الکل، از جهت فقهی جای تمسک به اصاله الطهاره است. زیرا در صورت شک در صدق مست کننده بر الکل، شک در پاکی و ناپاکی آن خواهیم داشت و به اتفاق همه فقها در صورت شک در پاکی و ناپاکی هر چیز، قاعده طهارت اقتضای طهارت دارد. برخی از فقهای عظام دقیقاً همین گونه استدلال کرده اند (۲۳).

استدلال کسانی که به نجاست الکل عقیده دارند این است که الکل مست کننده روان است و هر چیز مست کننده روان، نجس است، پس الکل ناپاک است. در این نوشتار با بررسی دقیق و تحلیلی نتیجه گرفتیم که اولاً دلیل قاطعی بر ناپاکی هر مست کننده روان وجود ندارد و ثانیاً با فرض پذیرش ناپاک بودن هر مست کننده روان، الکل از مصادیق مست کننده روان به شمار نمی آید بنابراین دلیلی بر ناپاک بودن الکل وجود ندارد

[DOR: 20.1001.1.15614107.1400.23.1.13.2]
[DOI: 10.22088/jbums.23.1.84]

و بـا توجـه بـه اینکـه در صـــورت نبودن دلیل بر ناپاکی چیزی، با تکیه به قاعده طهـارت می توان به پاکی و طهارت آن چیز حکم کرد، بنابراین می توان به پاکی الکل حکم کرد.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از خانم زهرا رستمی جهت همکاری در ویرایش مقاله، تقدیر و تشکر می گردد.

[DOR: 20.1001.1.15614107.1400.23.1.13.2]
[DOI: 10.22088/jbums.23.1.84]

The Purity of Alcohol from the Viewpoint of Shiite Jurisprudence

A. Nikzad (PhD)[1], A. Bijani (MD, PhD)[2*]

1.Department of Islamic Studies, School of Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, I.R.Iran

2.Social Determinants of Health Research Center, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, I.R.Iran

J Babol Univ Med Sci; 23; 2021; PP: 84-89

Received: May 9th 2020, Revised: Jul 14th 2020, Accepted: Feb 11st 2021.

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVE: Considering various applications of alcohol in human life in today's world, it is important to discuss whether alcohol is pure (Tahir) or impure (Najis). The present study was conducted to investigate its jurisprudential aspects from the viewpoint of Shiite Islam (one of the two main branches of Islam).

METHODS: This study was designed based on library collection development method as well as methods of reasoning by reviewing texts published on purity (Taharat) and impurity (Najasat) of alcohol and any intoxicating liquor. Qur'anic verses, formal legal opinions of religious scholars (Fatwas) and narrations (Hadiths= Record of the traditions or sayings of the Prophet Muhammad) were used here.

FINDINGS: There is disagreement between the jurists (Faqīhs) about the purity of alcohol. The argument of the jurists who believe in the impurity of alcohol is based on the fact that alcohol is an intoxicating liquor and that anything that is intoxicating is impure, and as a result alcohol is impure. In this study, both introductions of this argumentation are questioned by a careful examination of the narrations (Hadiths) and arguments (Dalil). That is, the arguments for the impurity of any intoxicating liquor has been criticized and if we assume that any intoxicating liquor is impure, it has been proved that alcohol is not considered an intoxicating factor.

CONCLUSION: The results of this study show that there is no reason for the impurity of alcohol, and we can rely on the formal legal opinions of religious scholars (Fatwas) about the purity or impurity of alcohol based on the principle of purity (Everything is purie until its impurity is proved).

KEY WORDS: *Alcohol, Purity, Impurity, Intoxicating Liquors, Hadiths, Principle of Purity.*

Please cite this article as follows:

Nikzad A, Bijani A. The Purity of Alcohol from the Viewpoint of Shiite Jurisprudence. J Babol Univ Med Sci. 2021; 23: 84-9.

***Corresonding Author: A. Bijani (MD, PhD)**
Address: Social Determinants of Health Research Center, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, I.R.Iran
Tel: +98 11 32197667
E-mail: alibijani@yahoo.com

[DOR: 20.1001.1.15614107.1400.23.1.13.2]
[DOI: 10.22088/jbums.23.1.84]

References

1.McMurry J. Organic Chemistry, 8th ed. Belmont: Brooks Cole; 2011. p. 620.
2.GBD 2016 Alcohol Collaborators. Alcohol use and burden for 195 countries and territories, 1990-2016: a systematic analysis for the Global Burden of Disease Study 2016. Lancet. 2018; 392: 1015-35.
3.Azimi HA, Asghari M. Examining canonical Hokm of using inebriant and ecstasy materials from Islamic sects' jurists' viewpoint. Motaleat-e-Taghribi Mazaheb-e-Eslami. 2014; 9(34): 62-77. [In Persian] Available from: http://foroughevahdat.mazaheb.ac.ir/article_7336.html
4.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 38- Hadith 7. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
5.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 17.: Chapter 26- Hadith 2. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
6.Holy Quran. Al-Maidah Surah, Verse 90.
7.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 17.: Chapter 1- Hadith 5. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
8.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 17.: Chapter 1- Hadith 1. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
9.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 17.: Chapter 1- Hadith 3. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
10.Tabarsi F. Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an, vol 3. Beirut: Dar Al-Morteza; 2006. p.239. [Arabic]
11.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 38- Hadith 11. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
12.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 38- Hadith 2. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
13.Mousavi Khalkhali MM. al-Shīa law(Islamic law), Vol 3. Tehran: Al-Monir; 2006; 1974. p.166-69. [Arabic]
14.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 38- Hadith 9. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
15.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 38- Hadith 7. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
16.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 38- Hadith 8. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
17.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 24- Hadith 2. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
18.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 15- Hadith 4. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
19.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 2.: Chapter 15- Hadith 6. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
20.Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shīa, vol 17. Chapter 19- Hadith 1. [Maniuscript]. Al-Albit Pub; 1846.
21.Khomeini R. Kitab al-Taharah (Book of Purification), vol 3. Tehran: Imam Khomeini Pub; 2001. p. 190.
22.Mousavi Khalkhali MM. al-Shīa law (Islamic law), Vol 3. Tehran: Al-Monir; 2006. p. 171. [Arabic]
23.Mousavi Bojnourdi MH. Fiqh rules, Vol 5. Qom: Esmailian Pub; 1972. p. 274-5.

[DOR: 20.1001.1.15614107.1400.23.1.13.2]
[DOI: 10.22088/jbums.23.1.84]